

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



۸۸۳۵۸۱۰

دانشگاه شهید چمران اهواز

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته علوم قران و حدیث

عنوان :

ترجمه و تحقیق تفسیر نور الثقلین (جزء اول)

استاد راهنما:

دکتر سید یوسف محفوظی موسوی

استاد مشاور:

دکتر قاسم بستانی

نگارنده:

لیلا ابوماهیگیر

شهریور 1388

تقدیم بہ:

بضاعتی درخور تقدیم نمی بینم، اما چون سنتی است حسنه، دل بر آن دارم که این تلاش را به محضر پاک خاندان رسالت، به ویژه آخرین سلاله عترت، آن عزیز منتظر، آن حکیم عدل گستر، آن سلاله انبیاء و اولیاء، آن امام متقین، خلیفۃ الرحمن و شریک القرآن (عج) تقدیم دارم، اما چون در پیشگاه با عظمتش، حتی حکم (ران ملخ به بارگاه سلیمان) را ندارد، از چنین تقدیمی شرمسارم و جسارت آن ندارم. پس از سر محبت این را به پدر و مادر عزیزم که از جان مایه گذاشتند و اساتید قرآن پژوهم تقدیم می دارم، باشد که رحمت واسعه الهی پذیرا گردد و این پژوهش و تقدیم آن را اثر بخش فرماید.

تقدیر و تشکر:

سپاس خداوندی را که سخنوران از ستودن او عاجزند و حسابگران از شمارش نعمتهای او ناتوان و تلاشگران در ادای حقّ او در مانده اند^۱.

دروود و سلام بر آن ستوده در اوصاف و پسندیده در هر شرافت، بر خاندان نبوت و جایگاه رسالت که حاملان ثقل اکبرند. حال که در سایه الطاف خداوند عزّوجلّ در آستانه پایان دوره کارشناسی ارشد هستیم، بر خود فرض می دانم که از تمام اساتید بزرگواری که طی این سالیان در مکتبشان درس علم و معرفت آموخته ام و به نوعی بر گردن این حقیر حقیّ دارند، سپاسگزاری نمایم و بر دستان پر مهر و محبت آن بزرگواران بوسه زنم، چرا که طبق فرمایش مولایم علی (علیه السلام): (من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً).

از شاگردان مکتب قرآن و اهل بیت (علیه السلام)، استادان عزیزمی که توفیق شاگردی در مکتبشان را داشته ام از صمیم قلب تشکر و سپاسگزاری می نمایم. استادان بزرگواری چون دکتر علی مطوری، دکتر سردار شهابی، دکتر داود معماری، دکتر سید یوسف محفوظی موسوی، دکتر قاسم بستانی، دکتر محمودشکیب انصاری، دکتر عبدالحسین رضایی راد، و... که توفیقات روزافزون ایشان را از اینزد منان خواستارم.

۱. شریف رضی، نهج البلاغه امام علی (ع) ترجمه محمد دشتی، چاپ اول، شیراز، انتشارات شاهچراغ، ۱۳۸۵ش، خطبه اول، ص ۲۱

به پیشگاه استادان گرانقدر جناب آقای دکتر سید یوسف محفوظی موسوی که به عنوان

استاد راهنما و دکتر قاسم بستانی که به عنوان استاد مشاور در تدوین این رساله در تمام مراحل کار

با راهنمایی و ارشاد، حقیر را یاری نمودند، کمال تقدیر و تشکر را دارم.

و تقدیر و تشکر خود را نثار همه کسانی می نمایم که در تألیف این مجموعه معنوی از آنها یاری

جسته ام، اما یادی از آنها در این رساله نشده است و توفیقات روز افزون برای همه دست اندرکاران

تعلیم و تربیت از درگاه احدیت خواهانم.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

لیلا ابو ماهیگیر

چکیده پایان نامه

نام خانوادگی: ابوماهی گیر	نام: لیلا
عنوان پایان نامه: ترجمه و تحقیق تفسیر نورالثقلین (جزء اول)	
استاد راهنما: دکتر سید یوسف محفوظی موسوی	
درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: الهیات و معارف اسلامی گرایش: علوم قرآن و حدیث	
محل تحصیل (دانشگاه): دانشگاه شهید چمران اهواز	
دانشکده: الهیات و معارف اسلامی	
تاریخ فارغ التحصیلی: شهریور 1388	تعداد صفحه: 336
کلید واژه: ترجمه، تفسیر، تفسیرروایی، بررسی سند.	
<p>چکیده:</p> <p>قرآن کریم از زمان نزول تا کنون، مورد عنایت و اهتمام مسلمانان بوده است. مسلمانان آن را حفظ می کردند و در اجرای احکام آن کوشا بودند. پیامبر (صلی الله علیه وآله) نیز آیات مغلق را شرح داده و معانی مجمل را تبیین می فرمود. به اعتبار اینکه پیامبر (صلی الله علیه وآله) اولین راهنما و امین وحی الهی بود، لذا تفسیر قرآن از انگیزه های نبوت او به شمار می آمد. علاوه بر کوشش های مسلمانان در تبیین الفاظ قرآن و شأن نزول آیات و ابعاد دیگر آن، آنچه از پیامبر (صلی الله علیه وآله) در تفسیر قرآن به یادگار مانده، زیر بنای تفسیر در نخستین ادوار شد. مفسران زیادی از بین گرایش های مختلف تفسیری، روش تفسیر نقلی را انتخاب کردند، از جمله این افراد شیخ عبد علی بن جمعه عروسی حویزی، مؤلف تفسیر نورالثقلین است. تفسیر نقلی که شامل تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن به سنت و تفسیر قرآن به قول صحابه و تابعان است، گرچه دارای اهمیت بسزایی است. اما متأسفانه آفاتی چون ضعف سند، جعل حدیث و اسرائیلیات که در احادیث راه یافته از اعتبار آن کاسته است. ما در این تحقیق برآنیم که مصدر و منبع حدیث در تفسیر نورالثقلین را پیدا کرده و آن را با اصل کتاب مقابله کنیم و در صورت غریب بودن متن، به مصادر عدیده لغوی و روایی مراجعه کرده و سند احادیث را نیز مورد بررسی قرار دهیم، تا میزان اعتبار روایات به دست آید و بعد ترجمه ای دقیق و روان از کتاب ارزشمند تفسیر نورالثقلین، که تا بحال ترجمه نشده به خواننده عرضه کنیم تا کسی که به زبان عربی تسلط کافی ندارد بتواند از این تفسیر روایی بهره ببرد.</p>	

فهرست مطالب

14 مقدمه
19 معرفی نویسنده تفسیر
19 معرفی اجمالی کتاب
20 سبک تفسیر وی
20 سخن مؤلف
21 گفتار بزرگان در حق او
21 1- گفتار مرحوم علامه طباطبایی
21 2- گفتار شیخ حر عاملی
22 3- گفتار میرزا محمد باقر خوانساری
22 4- گفتار محدث قمی
23 5- گفتار صاحب معجم المؤلفین
23 6- گفتار استاد مطهری
24 7- تقریظ شوشتری بر نور الثقلین

سورة الحمد و فیہا 114 حدیثاً - فی فضلہا

الصفحة	رقمها	الآية
--------	-------	-------

26	01	قوله تعالى بسم الله الرحمن الرحيم.....
53	2	الحمد لله رب العالمين.....
63	3	الرحمن الرحيم.....
63	4	مالك يوم الدين.....
65	5	اياك نعبد.....
65	5	واياك نستعين.....
67	6	اهدنا الصراط المستقيم.....
71	7	صراط الذين انعمت.....
74	7	غير المغضوب عليهم الخ.....
سوره البقره (الجزء الاول) وفيها 398 حديثاً - في فضلها		
81	01	قوله الم ذلك الكتاب.....
92	3	الذين يؤمنون بالغيب.....
94	6	ان الذين كفروا.....
96	7	ختم الله على قلوبهم - وقوله تعالى ومن الناس من يقول.....

101	14	و اذا لقوا الذين آمنوا.....
102	17	كمثل الذى استوقد وقوله -ذهب الله بنورهم.....
104	19	صم بكم عمى وقوله - ورعد وبرق.....
105	20	ان الله على كل شىء قدير.....
108	21	يا ايها الناس اعبدوا ربكم.....
113	22	الذى جعل لكم الارض وقوله فاخرج به من الثمرات.....
116	23	وان كنتم فى ريب.....
119	25	كلما رزقوا منها - وقوله ان الله لا يستحيى.....
121	26	ماذا اراد الله بهذا - وقوله الذين يتقضون عهد الله.....
123	29	هو الذى خلق لكم.....
127	30	انى جاعل فى الارض خليفه.....
129	30	اتجعل فيها من يفسد فيها.....
134	30	انى اعلم ما لا تعلمون.....
138	33	الم اقل لكم انى اعلم غيب السموات.....
143	34	واذ قلنا للملائكة اسجدوا لادم.....
151	35	لا تقربا هذه الشجرة - وقوله فليلهما بغرور.....

156	36	فاز لهما الشيطان.....
160	36	اهبطوا بعضكم لبعض عدو.....
169	37	فتلقى آدم من ربه كلمات.....
180	40	اوفوا بعهدى اوف بعهدكم وقوله يا بنى اسرائيل.....
185	41	ولا تكونوا اول كافر وقوله اقيموا الصلوة.....
187	44	اتأمرون الناس بالبر وتنسون.....
193	45	واستعينوا بالصبر والصلوة.....
194	48	واتقوا يوما لا تجزى نفس.....
196	49	يسومونكم سوء العذاب.....
202	50	واذ فرقنا بكم البحر.....
206	55	واذ قلتم يا موسى لن نؤمن.....
207	57	وظللنا عليكم الغمام وقوله وادخلوا الباب سجدا..
210	59	فبدل الذين ظلموا.....
214	62	ان الذين آمنوا والذين هادوا.....
216	63	خذوا ما آتيناكم بقوة.....
216	65	لقد علمتم الذين اعتدوا فى السبت.....

220	69	وقوله ادع لنا ربك
226	74	ثم قست قلوبكم من بعد ذلك
230	79	فويل للذين يكتبون الكتاب
233	81	بلى من كسب سيئاً و احاطت به
234	83	قولوا للناس حسنا
237	84	و اذا اخذنا ميثاقكم
244	87	وايدناه بروح القدس
247	89	وكانوا من قبل يستفتحون
255	94	فتمنوا الموت ان كنتم صادقين
256	97	من كان عدوا لجبريل
265	102	ما يفرقون به بين المرء و زوجته
265	102	ويتعلمون ما يضرهم ولا ينفعهم
285	106	ما ننسخ من آية او ننسها
286	111	قل هاتوا برهانكم
289	115	فاينما تولوا فثم وجه الله
294	117	بديع السموات و الارض

297	124 و اذا ابتلى ابراهيم ربه
299	124 لا ينال عهدى الظالمين
301	125 واتخذوا من مقام ابراهيم
305	125 ان طهرا بيتي للطائفين
308	126 رب اجعل هذا البلد آمنا
310	127 واذ يرفع ابراهيم القواعد
321	128 ومن ذريتنا امه مسلمه
324	132 يا بني ان الله اصطفى
325	133 واله آباؤك ابراهيم واسماعيل
327	137 فانما هم في شقاق
328	138 صبغه الله ومن احسن من الله صبغه
329	140 ومن اظلم ممن كتم شهادة عنده
330 پيشنهاد
331 منابع و مأخذ

مقدمه:

ستایش خداوندی را سزااست که به قدرت، والا و برتر، و با عطا و بخشش نعمت ها، به پدیده ها نزدیک است. اوست بخشنده تمام نعمت ها، و دفع کننده تمام بلاها و گرفتاری ها. او را می ستایم در برابر مهربانی ها و نعمت های فراگیرش. به او ایمان می آورم، چون مبدأ هستی و آغاز کننده خلقت آشکار است. از او هدایت می طلبم چون راهنمای نزدیک است، و از او یاری می طلبم که توانا و پیروز است، و به او توکل می کنم چون تنها یاور و کفایت کننده است. گواهی می دهم که محمد (صلی الله علیه وآله) بنده و فرستاده اوست. او را فرستاده تا فرمان های خدا را اجرا کند.¹

قرآن، معجزه و سند ابدی دین خدا و مظهر مطلق عزت و حقانیت است و خداوند به عزت خویش، حفظ و صیانت آن را از هر نقص و عیبی بر عهده گرفته است، از اینرو هر گونه تحریف لفظی به زیادت یا نقصان در آن راه ندارد «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»².

قرآن کریم درعین قابل فهم بودن خطابهایش برای اقشار مردمی، قرین دائمی (عترت) می باشد. از اینرو، این دو سرمایه و گوهر گرانبها (ثقلین) دوچهره از یک حقیقت می باشند که نباید میانشان جدایی افکند.

با عنایت به اینکه فهم قرآن مراتب بی شماری دارد و نفوس مردمی نیز از نظر مراتب فهم یکسان نبوده، و از آلودگی نیز برکنار نمی باشند، و نیز قرآن دارای محکم و متشابه، عام و خاص و... می باشد، پس به ناچار باید در فهم قرآن از معصومین (علیهم السلام) یاری جست که به حقیقت قرآن دست یافته اند و تمام مراتب فهم قرآن را طی کرده اند.

یکی از جویبارهای فهم دانش، که در کنار سایر جویبارهای زلال معرفت، از سرچشمه عظیم و جوشان علوم و معارف قرآن کریم منشعب شد، تفسیر قرآن کریم است.

۱- دشتی، محمد، نهج البلاغه، چاپ شانزدهم، قم، ناشر، انتشارات مشهور، ۱۳۸۱، خطبه ۸۳.
۲- حجر/۹؛ به یقین ما خود این ذکر را به تدریج فرو فرستادیم و به یقین ما آن را حفظ کننده ایم.

تفسیر قرآن از زمان حیات رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) که خود اولین مفسر قرآن به شمار می رود شکل گرفت، و در طول زمان ها روش ها، گرایش ها و منهج های مختلفی پیدا کرد. از جمله روش های تفسیری، تفسیر روایی یا تفسیر مأثور قرآن می باشد. در این روش تفسیری، قرآن با استفاده از خود قرآن، کلام معصومین، قول صحابه و تابعین تفسیر می شود، که این خود بهترین نوع تفسیر قرآن به شمار می رود. اما افسوس و صد افسوس که آفاتی در این نوع تفسیر راه یافت و از درجه اعتبار آن کاست. مفسران بسیاری با تمسک به حدیث گوهر بار پیامبر (صلی الله علیه وآله): (انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی) به تفسیر قرآن با استفاده از سخنان معصومین (علیهم السلام) پرداختند و کتب تفسیری بسیاری در این زمینه بوجود آمد، از جمله این افراد شیخ عبد علی بن جمعه عروسی حویزی مؤلف تفسیر گرانقدر نورالثقلین است، که در این پایان نامه سعی نمودم ترجمه ای ساده و روان از این تفسیر انجام دهم. روش مؤلف به این صورت است که وی احادیث منقول از اهل بیت (علیهم السلام) را به گونه ای که با آیات قرآن ارتباط داشته گردآوری کرده است، و از این احادیث گاه به تفسیر و گاه به تأویل آیات و در پاره ای موارد هم به عنوان استشهاد یا در تأیید نظریه از آنها استفاده کرده است. این تفسیر تمام آیات قرآن را دربر نمی گیرد و مؤلف در آن، نص آیات قرآن را هم نیاورده است، تنها در ضمن نقل روایات که به ترتیب آیه ها و سوره ها مرتب شده است، به ذکر نام سوره ها و شماره آیات بسنده کرده است و به نقد و بررسی روایات پرداخته و در رفع تعارض میان آنها راه حلی ارائه نکرده است.

این تفسیر روایی شیعه تا کنون بارها چاپ شده است، اما ترجمه ای از آنها صورت نگرفته است، مصادر تفسیر روایی آن به صورت مجمل فقط با ذکر عنوان کتاب مشخص شده و اگر محقق بصیر بخواهد به منبع اصلی حدیث که در کتاب تفسیر نورالثقلین اشاره شده، مراجعه کنند باید روزها و هفته ها وقت صرف کند تا یک حدیث را از یک یا چندین جلد کتاب پیدا کند، اما این بنده حقیر ابتدا به ترجمه این تفسیر گرانبها پرداختم و منبع حدیثی را نیز مشخص کرده و در پاورقی بیان کردم تا مراجعه به اصل منبع آسان باشد و از این لحاظ یک کار نو و جدید می باشد، اما از لحاظ رجال شناسی و بررسی سند کتابهایی از قدیم الایام نوشته شده از جمله

رجال نجاشی، رجال کشی، رجال آیت الله خویی و... که با مراجعه به این کتب معتبر، سند حدیث را مورد بررسی قرار دادم و به علت ترس از طولانی شدن رساله، از بعضی رجال حدیث چشم پوشی نمودم. در این ترجمه تا حد امکان در توضیح مطالب، روان، ساده و شیرین بودن عبارات و الفاظ کوشیده ام و در این راه در مکانهای مختلف آنگونه که مقتضی بود، هم کلمه به کلمه ترجمه نمودم و هم برای بیان مطلب و توضیح مقصود و روشن کردن حقیقت به طور کلی مطلب را شرح دادم و در هر کجا نیازی به بیان و توضیح بود، در میان پراکنش به عنوان شرح و توضیح نقل نمودم تا اجمالی باقی نماند، تنها به ترجمه متن حدیث اکتفا نکردم و به رجال شناسی و پیدا کردن سند روایت که مؤلف از آن کتاب حدیث را گرفته، پرداختم و اگر بین آن دو منبع تفاوتی بود، در پاورقی به آن اشاره کرده ام.

روش انجام این تحقیق، مراجعه کتابخانه ای به منابع و مآخذ متقدم و متأخر و مرتبط با موضوع، یادداشت برداری و دسته بندی، تدوین و نقد و بررسی آنها، همراه با رعایت بی طرفی و امانت علمی می باشد. محقق مدعی است که توانسته تا حد امکان به اصل کتب دست پیدا کند، منبع حدیث را در آنجا مشاهده کند و اگر بین حدیث در منبع اصلی و حدیث در تفسیر نورالثقلین تفاوتی وجود داشته آنرا در پاورقی بیان کرده است.

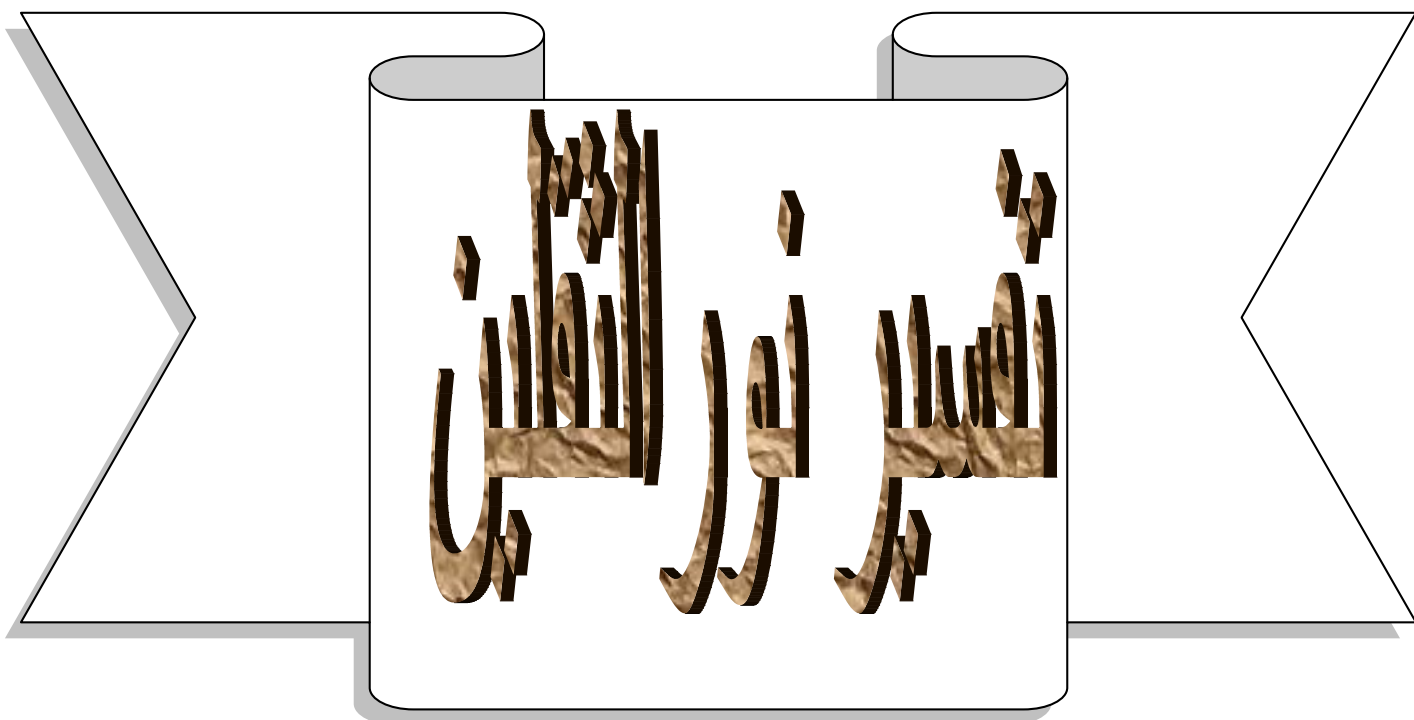
قرآن، قانون اساسی بزرگ و کتاب مقدسی است که درک ما برپایه آن استوار است. سلوک ما بر اساس آن نظم می پذیرد و وحدت ما به واسطه آن مستحکم می شود. هر تحقیقی درباره قرآن، یا آنچه مربوط به قرآن است افتخاری برای پژوهشگر بوده و نوری است که راه را برای وی روشن می سازد. پس از خدا کمک گرفتم چرا که تنها او ما را کفایت می کند، اما در این راه با مشکلاتی مواجه شدم، مهمترین آنها این بود که تفسیر نورالثقلین بکر و دست نخورده است و هیچ تحقیقی روی آن صورت نگرفته است. لذا تحقیقی علمی درخور تفسیر نورالثقلین، از نگارنده مسئولیت پیشگام بودن را طلب می نمود. پس از خدا کمک گرفتم، خدائی که، هیچ نیرو و توانی جز از جانب او، وجود ندارد. شبها و روزهایی را با خواندن تفسیر نورالثقلین، جستجوی احادیث در منابع اصلی و بررسی رجال حدیث سپری کردم و هر مطلبی را که به دست می آوردم، یادداشت می کردم، اما عمده ترین مشکل، کمبود

منابع دست اول یا در دست نبودن آنها بود به طوری که بخاطر به دست آوردن منابع دست اول دو بار به شهر مقدس قم مسافرت کردم و از کتابخانه آیت الله مرعشی، کتابخانه دانشکده اصول دین (قم - دزفول)، کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه شهید چمران، کتابخانه دانشکده علوم حدیث قم، کتابخانه حوزه علمیه آیت الله قاضی در شهرستان دزفول، کتابخانه علامه مخبر دزفولی استفاده کرده ام. علاوه بر این از نرم افزارهای خاص منابع و مصادر علوم اسلامی، که به آسانی منابع فراوانی را در دسترس قرار می دهند، استفاده کردم. اما اتکای بیشتر محقق مراجعه به کتابها و تورق آنها بود. به هر حال امید است که فراوانی و تنوع منابع فریقین که مورد مراجعه قرار گرفته اند، موجب پرباری این تحقیق شده باشد.

امید است که این تحقیق مورد قبول خدای منان قرار گیرد و ما را در زمره خادمان ثقل اکبر و اصغر به شمار آورد، و ما را در رسیدن به صواب توفیق دهد و از لغزش در بحثی که پیشگام در این موضوع خواهد بود حفظ نماید، و از تمام کسانی که مرا در تدوین این مجموعه راهنمایی و یاری کرده اند به خصوص استادان بزرگوار دکتر سید یوسف محفوظی موسوی و دکتر قاسم بستانی کمال تشکر و قدردانی را دارم و توفیقات روزافزون این عزیزان را از ایزد منان خواستارم. و در نهایت اگر سروران گرامی، نقص و کاستی یا اشتباهی مشاهده کردند از لطف و راهنمایی خویش نگارنده را محروم نسازند.

«و هو ولیّ التوفیق»

لیلا ابوماهی گیر



معرفی نویسنده تفسیر:

تفسیر نور الثقلین اثر مؤلف عالیقدر، مفسر عالی شأن، مرحوم شیخ عبد علی بن جمعه عروسی حویزی از محدثان قرن یازدهم هجری است، که در شهر هویزه خوزستان به دنیا آمد و بعدها ساکن شیراز شد. او از طرف ملا علی نقی و از استاد خویش شیخ بهایی و استاد محدث نامدار مرحوم سید نعمت الله جزایری مجاز می باشد و از معاصرین شیخ حر عاملی محسوب می گردد و معاصر با همشهری و همنام خود عبد علی بن ناصر حویزی است. او به سبک و سیاق اخباریون آن زمان تألیفاتی را به نگارش درآورد.¹

معرفی اجمالی کتاب:

نورالثقلین تفسیری است روایی، به سبک و سیاق تفسیر برهان سید هاشم بحرانی، و به ترتیب کتاب قرآن. نورالثقلین تنها دربرگیرنده آیاتی است که از اهل بیت (علیهم السلام) روایاتی در تفسیر آنها وارد روایت شده است. هدف حویزی از این تفسیر، گردآوری اخبار مربوط به آیات است، نه تایید آنچه نقل کرده و اعتماد بر آنها، زیرا مؤلف به این نکته تصریح می کند که هدف از گردآوری، فراهم آوردن فرصت تحقیق بیشتر در روایات تفسیری است.² به دلیل هوشیاری حویزی به مشکلات اخبار تفسیری می توان کار وی را در مقایسه با دیگر گردآورندگان احادیث تفسیری دقیقتر و با حسن سلیقه بیشتر یافت. مجموعه روایات این تفسیر یا جنبه تبیین و توضیح معنای آیه را دارد، یا در باب فضیلت اهل بیت (علیهم السلام) و منطبق کردن مضامین آنها بر اهل بیت (علیهم السلام) است و یا شأن نزول آیه را بر اهل بیت (علیهم السلام) گرفته است، اگر چه این قسمت از روایات که شامل تبیین و توضیح الفاظ، اعراب و قرائت است، اندک می باشد. این تفسیر تمام آیات قرآن را دربر نمی گیرد و مؤلف در آن نص آیات قرآن را هم نیاورده است، تنها در ضمن نقل روایات که به ترتیب آیه ها و سوره ها مرتب شده است به ذکر نام سوره ها و شماره

¹ - عقیقی بخشایشی، عبد الرحیم، طبقات مفسران شیعه، قم، نشر نوید اسلام، ۱۳۸۲ ش، ص ۵۷۳.

² - حویزی، عبد علی، تفسیر نور الثقلین، الطبعه الرابعه، قم، الناشر، مؤسس اسماعیلیان، ۱۴۱۲ ه. ق، ۱۳۷۰ ش، ج ۱، ص ۲.

آیات بسنده کرده است و به نقد و بررسی روایات نیز نپرداخته و در رفع تعارض میان آنها راه حلی ارائه نکرده است.¹

سبک تفسیر وی:

روش تفسیری او، برمنوال منقول و مأثور از پیامبر(صلی الله علیه وآله) و ائمه اطهار(علیهم السلام) و براساس منابع روایی مختلف شیعه، از جمله کتب اصول کافی، معانی الاخبار، الخصال، کمال الدین و تمام النعمه، علل الشرایع، ثواب الاعمال، عقاب الاعمال، الامالی، التوحید، من لا یحضره الفقیه، مجمع البیان، تفسیر علی بن ابراهیم قمی، تفسیر العیاشی، التهذیب، الاستبصار، الغیبه، المناقب، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و... استوار است.

تفسیر وی مانند تفسیر البرهان است ولی با دقتی بیشتر در نقل احادیث، اما با اینحال روایات ضعیف و مرسل در میان آنها به چشم می خورد.²

اشکال اساسی این تفسیر که در نقد روایات دارد، این است که اسانید روایات را حذف و اسقاط نموده است. این تفسیر از نوع تفسیر ترتیبی، برحسب ترتیب سوره ها و آیات است، و مؤلف هر جا روایتی در مورد آیه ای پیدا نکرده، آن آیه را نیز تفسیر نکرده است. این تفسیر مشتمل بر بیش از چهارده هزار و پانصد روایت می باشد که در 24 ماه مبارک رمضان نگارش آن به پایان رسید.³

سخن مؤلف:

من خدمتگزاران کتاب الهی و پرتوگیران از انوار درخشان وحی را دیدم که در تفسیر قرآن مجید، راههای گوناگون و مسلکهای مختلفی را سپرده اند. برخی تنها به معانی الفاظ و عدّه ای به جنبه های ادبی و نحوی آن پرداخته اند. گروهی به استخراج مسائل صرفی بسنده کرده اند و تعدادی به مباحث کلامی و اعتقادی اشتغال ورزیده اند، جمعی نیز از دیدگاههای گوناگون به قرآن نگریسته اند. من تصمیم گرفتم در ذیل برخی از آیات آثار اهل ذکر و برگزیدگان الهی را افزون نمایم، چیزی که

¹ - معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، چاپ دوم، قم، موسسه فرهنگی تمهید، بهار ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۱۳.

² - علوی مهر، حسین، روشها و گرایشهای تفسیری، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۸۱، ص ۱۴۹.

³ - طبقات مفسران شیعه، ص ۵۷۳.

آشکار کننده خورشیدهای تنزیل و کاشف اسرار برخی از تأویلهای گردد و چیزی را نقل نمودم که به ظاهر مخالف اجماع طایفه ی محققه ی امامیه گردد، مقصودم بیان عقیده یا اظهار عمل نیست، بلکه آنرا آورده ام تا ناظر آگاه بدانند، چگونه نقل شده است و از کی به ما رسیده است، تا راه چاره و علاج و توجیه آن را دریابد، درعین حال همراه ذکر روایات از آوردن معارض آنها نیز کوتاهی نکردم و بر عهده خواننده است که خود حقیقت را روشن سازد، و اگر مطلبی را نقل نمودم که در جایگاه معمولی تفاسیر علی بن ابراهیم یا مجمع البیان طبرسی نبود، بدانند که درست از آن کتاب نقل شده است، منتها در غیر آن جایگاه خودش من مدتی از عمرم را با همه محنت ها، اندوه ها، مصائب و آلام صرف کتاب نمودم و آنرا (نورالثقلین) نامیدم، امیدوارم که لفظ آن مطابق معنا بوده باشد.¹

گفتار بزرگان در حق او:

به علت مطرح بودن تفسیر نور الثقلین در مجامع اسلامی و علمی، نظرات و گفتارهای متعددی از بزرگان در حق آن آمده است، که ما به نقل گفتار چند تن از اهل نظر بسنده می کنیم:

۱- گفتار مرحوم علامه طباطبایی:

مرحوم علامه طباطبایی بر مقدمه ای که بر چاپ جدید و تصحیح شده نگاشته است آنرا به عنوان کتاب قیم و استوار می ستاید، که اخبار پراکنده وارد در تفسیر قرآن از اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) را یکجا جمع آوری نموده است.²

۲- گفتار شیخ حر عاملی:

صاحب امل الامل، که از معاصرین او بوده است، او را به عنوان فردی فاضل و عارف به علوم ادبی و عروض، شاعر، ادیب و نویسنده معرفی می کند و در حق او می گوید: (او فقیه محدث، ثقه، ورع، شاعر، ادیب، جامع علوم و فنون و معاصر ما بوده است. او کتاب (نورالثقلین) در تفسیر قرآن کریم، در چهار مجلد دارد که از عهده آن خوب بیرون آمده است. احادیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) را از

۱- نورالثقلین، ج ۱، ص ۲.

۲- طبقات مفسران شیعه، ص ۵۷۳.